

نبرد حکومت با کدورت قبل

برخورد امنیتی با سبک زندگی مردم چه فایده‌ای دارد؟

تلاش برای کنترل رفتارهای شهروندان، رهایی می‌شود و برای فقرا اشک می‌ریزد، اما پای بساط عیاشی که می‌رسد، فرهنگ منحن غربی، الگوی غم و شادی‌تان است و میلیون‌ها تومان خرج بساط عقاید مزخرفتان.» وقتی خبرگزاری مانند خبرگزاری فارس را هم مرور می‌کنیم بیشتر شاهد بازنشر برخوردهای قضایی با واحدهای صنفی به خاطر برگزاری جشن هالووین هستیم. نکته اصلی، اما این جاست که آیا برخوردهای قضایی و انتظامی توانسته است که برگزاری هالووین را پایان ببخشد؟

هالووین؛ مسئله حق انتخاب و حقوق شهروندی
واقعیت این است که هالووین برای جوانان یک سرگرمی است یا فرصتی برای تقابل با حاکمیت. درست مثل حضور بر سر مقبره کوروش کبیر که حاکمیت با بستن راه‌ها و عدم اجازه به مردم برای حضور در این مکان آن را به مسئله امنیتی کرده است. در هالووین هم این نکته مشهود است، حاکمیت با برخوردهای امنیتی به جای حل مسئله آن را تبدیل به چالشی بزرگ و تقابل با نسل جوان می‌کند. چالشی که در نهایت دود آن به چشم حاکمیت خواهد رفت. جدای از این موضوع یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن این است که جوانان ایران به عنوان شهروندان ایرانی حق دارند که سرگرمی‌های خود را انتخاب کنند. هالووین هم قرار نیست که جایگزین فرهنگ بومی ایرانی اسلامی شود. این واقعیتی است که باید پذیرفت. فرهنگ غربی هم بخشی از هویت فرهنگی جوانان ایران شده است. هویتی که متأثر از اینترنت باعث احساس همبستگی جوانان ایرانی با سایر مردم دنیا می‌شود. همبستگی که یک از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن است و جوان ایرانی نشان داده که تمایل زیادی به این جهانی شدن دارد، تمایلی که خود را در برگزاری مراسمی مثل هالووین نشان می‌دهد.

که بخشی از جریان فرهنگی جهان است. علاوه بر وجه سرگرم کننده چنین مراسمی مسئله مهم دیگری که برای جوانان در برگزاری مسئله هویت است. نکته‌ای که مسئولان به آن توجه چندانی ندارند این است که اکثر جوانان ایران دیگر هویت خود را تنها از مراسم ملی و مذهبی نمی‌گیرند بلکه فرهنگ غربی و مراسم آن هم بخشی از هویت فرهنگی آنها را تشکیل می‌دهد. این تأثیرپذیری باعث شده که هویت جوان امروز تبدیل به هویتی چند لایه باشد که از منابع مختلفی تغذیه می‌کند.

چرا اصول گرایان با مراسم هالووین مشکل دارند؟
اصول گرایان مانند تمام پدیده‌های فرهنگی آن را نشانه و نمادی از نفوذ فرهنگ غرب در ایران می‌دانند به عنوان مثال تسنیم در مقاله‌ای هالووین را محصول دیجیتالی شدن فرهنگ می‌داند که باعث شکاف نسلی میان نسل زد با حاکمیت و نسل‌های پیش از خود شده است. تسنیم دلیل جذب شدن نسل زد به پدیده‌هایی مانند هالووین را محصول ضعف در فرهنگ سازی داخلی می‌داند و اعتقاد دارد که غرب موفق شده با تکیه بر فیلم، سریال و سایر محصولات فرهنگی، تصویری زیبا و جذاب از هالووین و کریسمس به عنوان نمادهای فرهنگی غرب به نمایش بگذارد.

حمید رسایی هم در اظهارنظری توهین آمیز درباره هواداران هالووین نوشته بود: «به برخی‌ها باید گفت: خواهشا برای هالووین گریم نکنید. شما همینطوری هم ترسناک هستید بلکه ترسناک‌تر از شما، افکار توی

اصلی مسئولان فرهنگی و انتظامی شده است.

چرا جوان ایرانی به هالووین علاقه‌مند است؟
این که هالووین دقیقاً از چه زمانی مورد توجه مردم ایران خصوصاً جوانان ایرانی قرار گرفت مشخص نیست، اما نکته‌ای که باید مورد توجه مدیران و سیاست گذاران ایرانی قرار گیرد این است که در جهان امروز و با ظهور شبکه‌های اجتماعی و رشد و گسترش اینترنت ارتباط با جهان غرب بسیار آسان‌تر از گذشته شده است. طبق نظر سنجی که موسسه ایسپا دو سال پیش انجام داده است، ۷۹.۵ درصد از دانش‌آموزان ایرانی به‌طور روزانه از سرویس‌های پیام‌رسان و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. از دیگر فعالیت‌های روزانه دانش‌آموزان می‌توان به گوش دادن به موسیقی (۶۶ درصد)، وقت‌گذرانی با دوستان (۵۷.۶ درصد)، فعالیت‌های ورزشی (۲۱ درصد)، گوش دادن به پادکست (۱۹.۴ درصد)، تماشای فیلم و سریال (۱۸.۱ درصد)، مطالعه کتاب و کتاب‌های الکترونیکی (۱۸ درصد) و انجام بازی‌های رایانه‌ای (۱۳.۳ درصد) اشاره کرد. طبق این نظرسنجی، دانش‌آموزان ایرانی روزانه به‌طور میانگین ۲۳۳ دقیقه (نزدیک به چهار ساعت) را در شبکه‌های اجتماعی و سرویس‌های پیام‌رسان سپری می‌کنند. این آمار نشان می‌دهد که چرا ناگهان جشن‌هایی مانند هالووین برای جوان ایرانی مهم و جذاب شده است.

برگزاری این جشن به جوان امروز ایران حساسی از اتصال به جهان می‌دهد و باعث می‌شود او تصور کند

دیگر این بانوی فرهیخته با مشقات فراوان و مخالفت‌های بسیاری دبستان «ناموس» را در خیابان فرمانفرما یا همان شاهپور که بعدها وحدت اسلامی شد، نزدیک چهارراه حسن‌آباد راه اندازی کرد. او تعلیم مذهبی و علم حدیث و آموزش قرآن را در میان دروس مدرسه گنجانده و برای ایجاد هماهنگی با شرایط روز جامعه سالی یک بار روضه خونی، در مدرسه ترتیب می‌داد... چند سال بعد بی‌بی استرآبادی، به راه اندازی مدرسه‌ای به سبک و سیاق مدارس اروپایی اقدام کرد. حضور معلم مرد در این مدارس، امکان نداشت اما با این حال عمر این مدرسه هم طولانی نبود. مدرسه دوشیزگان، از نخستین دبستان‌های دخترانه به روش جدید تعلیم و تربیت بود که در تهران در دروازه محمدیه، بازارچه حاجی محمدحسن واقع بود که امروز، اثری از آثار ساختمان‌های نخستین مدارس دخترانه در تهران باقی نمانده است.

رد پای خاندان مادر محیط زیست ایران در تاسیس نخستین مدرسه دخترانه

در آن‌جا هنرهای دستی، از قبیل کاموا دوزی، زر دوزی، خامه دوزی، خیاطی و غیره تعلیم می‌شود. سن شاگردان این مدرسه ۷ تا ۱۲ سال بود و خانواده‌ها برای تحصیل دخترانشان در این مدرسه باید هزینه‌ای حدود ۱۵ تن قرا ن پرداخت می‌کردند. برای این‌که دانش‌آموزان علاقه‌مند به تحصیل به دلیل فقر مالی خانواده‌ها از تحصیل محروم نشوند، تخفیفی برای خانواده‌های کم‌بضاعت در نظر گرفته شده بود، اما با همه تلاشی که بی‌بی خانم استرآبادی برای راه‌اندازی مدرسه انجام داد، پس از کودتا علیه مشروطه و به دنبال فضای بسته سیاسی، برخی از افراد که مخالف تحصیل زنان بودند، مدرسه را مرکز فساد خواندند و به آن حمله کردند.

مهلّا ملاح، ملقب به مادر محیط زیست ایران، نواده زنی پیشرو است که در دوران قاجار با تأسیس نخستین مدرسه دخترانه یعنی «دوشیزگان»، بنیان‌گذار آموزش نوین زنان در تهران شد؛ روایتی از مبارزه سخت خاندان استرآبادی با جهل و مخالفت‌های زمانه.

به گزارش همشهری آنلاین، سوادآموزی به دختران آن هم در محیطی غیر از خانه و در مدرسه در دوران قاجار به راحتی امروز نبود. اغلب خانواده‌ها راضی نمی‌شدند که دخترانشان خواندن و نوشتن یاد بگیرند چه برسد به این‌که راهی مکانی به نام مدرسه شوند. وقتی بی‌بی خانم استرآبادی، اولین مدرسه دخترانه را در محله محمدیه تهران راه اندازی کرد، با مخالفت بسیاری رو به رو شد. زنده یاد، مهلّا ملاح که به مادر محیط زیست ایران شهرت داشت، فرزند خدیجه افضل وزیری و نوه بی‌بی خانم استرآبادی بود. مهلّا ملاح در خاطراتش گفته: «بی‌بی خانم استرآبادی جزء زنان پیشگام عصر خود بوده و نقش بسیار زیادی در مسئله آموزش زنان داشته و از زنان نویسنده عصر خود نیز بوده است به طوری که عده‌ای ایشان را نخستین زن طنزنویس تاریخ ایران می‌دانند.» شهرت بی‌بی فاطمه استرآبادی به دلیل نوشتن کتاب «معایب الرجال» است که به طنز و در پاسخ به «تادیب‌النسوان» نوشته است. به همین دلیل او را نخستین زن طنزنویس ایران می‌دانند.

اولین مدرسه برای دختران

بی‌بی خانم استرآبادی، مادر بزرگ مهلّا ملاح در سال ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۲۸۵ هجری شمسی) با مجوز وزیر آموزش و پرورش وقت، مدرسه «دوشیزگان» را به سبک مدارس اروپایی آن زمان را بنیان‌گذاری می‌کند و با وجود مخالفان بسیار در آن عصر، حاضر به تعطیل کردن مدرسه نمی‌شود. او برای این مدرسه دخترانه نام «دوشیزگان» را انتخاب کرد. او که از آموزش و پرورش کشورها اروپایی الگو گرفته، موجب خشم برخی ائمه جماعات و روحانیونی چون شیخ فضل‌الله نوری و سیدعلی شوشتری شد تا جایی که با ادامه فعالیت این مدرسه مخالفت کردند و کار به چاپ اعلامیه علیه بی‌بی خانم استرآبادی کشیده شد. مدرسه دوشیزگان نزدیک دروازه قدیم محمدیه، بازارچه حاجی محمد محسن افتتاح و ۵ کلاس نیز برای آموزش دانش‌آموزان در نظر گرفته شده بود. به علاوه اتاقی هم معین شده است که

خودت را به دست نده

اگرچه نام مدرسه دوشیزگان به عنوان اولین مدرسه دخترانه در تاریخ یاد شده، اما داریوش شهبازی، تهران‌پژوه معتقد است، راه‌اندازی اولین مدرسه برای دختران با نام بانو طوبی آزموده، گریه خورده است.

داریوش شهبازی در این باره می‌گوید: «بانو آزموده نخستین مدرسه دخترانه در تهران را به نام «پرورش» در سال ۱۳۲۱ قمری (۱۲۸۲ خورشیدی) افتتاح کرد، اما به دلیل ضدیت و فشار مخالفان فرهنگ، عمر این مدرسه پس از چهار روز فعالیت به سر آمد و ماموران دولت با تهدید و فحاشی مدرسه را بستند. پس از پیروزی نهضت مشروطیت و در سال ۱۳۲۶ قمری (۱۲۸۷ خورشیدی) بار

خودت را به دست نده

اگرچه نام مدرسه دوشیزگان به عنوان اولین مدرسه دخترانه در تاریخ یاد شده، اما داریوش شهبازی، تهران‌پژوه معتقد است، راه‌اندازی اولین مدرسه برای دختران با نام بانو طوبی آزموده، گریه خورده است.

داریوش شهبازی در این باره می‌گوید: «بانو آزموده نخستین مدرسه دخترانه در تهران را به نام «پرورش» در سال ۱۳۲۱ قمری (۱۲۸۲ خورشیدی) افتتاح کرد، اما به دلیل ضدیت و فشار مخالفان فرهنگ، عمر این مدرسه پس از چهار روز فعالیت به سر آمد و ماموران دولت با تهدید و فحاشی مدرسه را بستند. پس از پیروزی نهضت مشروطیت و در سال ۱۳۲۶ قمری (۱۲۸۷ خورشیدی) بار